

مدیریت ساماندهی جرم از منظر آموزه های دینی

اعظم مدیح^۱ تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱/۲۰

محمد رضا رحمت^۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۳/۲۲

اردوان ارژنگ^۳

چکیده :

مدیریت ساماندهی جرم، شیوه‌ای نوین در کاهش و کنترل بزهکاری است که از طریق شناسایی موقعیت‌های دارای خطر بزهکاری، تقویت، نظارت و بالابردن نهی و ارتکاب جرم، خطر ارتکاب جرم را مدیریت می‌نماید. در نظام الهی اسلام که بر اساس توحید و خدا محوری شکل گرفته، قرآن به عنوان یک کتاب مقدس برنامه‌هایی برای سعادت انسان در نظر گرفته است که وی را در بالاترین جایگاه قرار می‌دهد. یکی از این برنامه‌ها تبیین مدیریت زندگی انسان در اجتماع است که راه سعادت را نشان و عوامل انحراف و موانع رشد را تبیین می‌کند. در حقوق اسلامی و منابع فقهی، از سویی ما را به راهکارهایی برای عدم ارتکاب جرم و گناه رهنمون می‌سازد و از سویی دیگر مهم‌ترین و اصلی‌ترین منبع تعلیم و تربیت بوده و روش‌هایی جهت عدم ارتکاب جرم و گناه ارائه، ارزیابی و تحلیل می‌نماید. به هر ترتیب، در مبانی فقهی، مدیریت جامعه و خود در راستای عدم ارتکاب جرم «گناه» تحت عنوان ساماندهی جرم، که شاکله وجودی نظام اسلامی را شکل می‌دهد، بهترین راهگشا برای صیانت از وقوع جرم و گناه می‌باشد. در این مقاله به دنبال آن هستیم که بعضی روش‌های نهادینه کردن این نوع مدیریت عدالت‌گرا «گناه» تحت عنوان ساماندهی جرم را از منظر لیات و رولیات تبیین نماییم.

کلید واژه: مدیریت، جرم، ساماندهی، کنترل، نظارت، اسلام.

^۱ دانشجوی دکتری فقه و حقوق جزا دانشگاه میبد (نویسنده مسئول)

^۲ استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه میبد

^۳ دانشیار و عضو هیات علمی دانشگاه میبد

از آن روز که آدم با وسوسه شیطان عصیان کرد «...فَعَصَىٰ آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَىٰ»^۱ و میوه ممنوعه را خورد و به کیفر این گناه از بهشت رانده شد و در زمین جای گرفت باب گناه گشوده شد و در همان آغاز پسر آدم، قابیل، برادرش هابیل را کشت و بزرگ‌ترین جرم را در روی زمین مرتکب گشت؛ لذا آفت سعادت انسان که جرم و گناه بود، شکل گرفت؛ چرا که گناه، ماده وجود آدمی را فاسد و آن را از خاصیت می اندازد. گناهکاران در دنیا نزد مردم بی ارج و ارزش و در آخرت در پیشگاه خدا و صالحان خجل و شرمندند. حتی این گروه در برابر وجدان خود احساس خفت و خواری می کنند. لذا بر هر کسی که طالب آرامش در برابر وجدان، عزت و سربلندی در میان مردم و سعادت و سرافرازی در محضر خداوند است، لازم است تا جداً از گناه و معصیت دست بکشد و به هیچ وجه مرتکب جرم و جنایت نشود. با تحقیق و تفحص در فقه اسلامی به این نتیجه می رسیم که از جمله برنامه‌های جامع‌دین‌مبین اسلام، راهکارها و آموزه‌های مدیریتی گناه و به عبارتی جرم و خشک‌کنندگی و اعمال ناپسندانه‌ها و مینامیند جامع‌مفرداروی جامع‌انسان‌هاست. از منظر اسلام، برنامه‌های اصلاحی، مانع از تصمیم‌مقطعی مجرم‌بهار تک‌بجر مورود و او به زندگی مجرمانه می‌گردد. و اگر باین وجود، وارد مرحله انجام جرم و گناه گردید، بارانمایی‌های معقولانه‌ی نه‌بوزیر کانه، جرم‌رادر مرحله‌عملیاتی‌واقداً، خنثا و متوقف می‌سازد. به هر جهت هنگامی یک‌برنامه‌ی موجب کاهش و مهار میز ان‌وقوع‌گناه و جرم می‌گردد، که کامل، فراگیر و واقع‌بینانه باشد و برای تمامی مراحل حل‌و‌مینه‌های ارتکاب‌بیطراحی‌و قابل اجرا باشد و وظیفه‌ها و دارندگی‌را به‌نحو‌شایسته‌انجام‌دهد. که در اینجا به مواردی اشاره می‌کنیم.

۱- نظارت همگانی «امر به معروف و نهی از منکر»

یکی از راهبردهای اساسی سیاست جنایی اسلام در مقابله با جرایم و انحرافات، استفاده از ابزار نظارت و کنترل مردمی و عمومیست، که در قالب نهاد امر به معروف و نهی از منکر در اسلام مطرح شده است. این نهاد مهم، همچنین از مهم‌ترین تدابیری است که در اسلام برای مشارکت عمومی مردم در امر مدیریت ساماندهی جرم، بر اساس اندیشه کنترل اجتماعی و نظارت افراد در سطح جامعه، نسبت به عملکرد یکدیگر در جهت رعایت هنجارها تدارک دیده شده است. بر اساس این اصل مترقی و ابتکاری اسلام، که در قرآن کریم، از خصایص و ویژگی‌های بارز جامعه اسلامی و متمایز کننده از سایر جوامع بشری بر شمرده است و اینچنین آمده است: «کنتم خیر امما خیر جتلتنا ستمرونبا المعروفون تنهون عن المنکر و تومنون بالله» «شما بهترین امت بودید که به سود انسانها آفریده شدند؛ امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان دارید»^{۱۰}. احاد مسلمانان در جامعه اسلامی از هر طبقه و یا هر سمت، در مقابل عملکرد و سرنوشت یکدیگر مسئول قلمداد شده‌اند؛ به نحوی که هر مسلمانی طبق شرایط و ضوابط معین، تکلیف و وظیفه شرعی دارد تا افراد دیگر

جامعه اسلامی را مورد امر و نهی قرار داده و به آنچه که در احکام شرع و جامعه اسلامی، ممدوح است، توصیه نماید و از نواهی شرعی و نابهنجاری های اجتماعی، باز دارد تا هیچ کس در جامعه اسلامی از قانون و دستورهای شریعت اسلامی تخلف نکند.

به هر ترتیب امر به معروف و نهی از منکر، در حقیقت یک سیستم کنترلی غیر کیفی محسوب می گردد، که البته تنها در دایره محدود زندگی فردی یا روابط معاشرتی و یا اعمال انفرادی محدود نمی شود^{۱۱}. برخی از صاحب نظران علوم اسلامی با الهام گیری از آیات و روایات، برای امر به معروف و نهی از منکر، جایگاه بسیار برجسته ای را برای این نهاد ترسیم می کنند؛ از جمله در روایاتیرسیده در عظمی و اهمیت این نهاد مهم در اسلام وجود دارد که در آن امام باقر (ع) میفرماید: «ان الامر بالمعروف والنهی عن المنکر سیل الانبیاء و منها جال الصالحین فیضه عظیمه بها تقام لفرأئضو تا من المذاهب و تحمل المکاسب و ترد المظالم و تعمر الارض و یتصب بمنال اعدا و یتقیم الامر»^{۱۲} «بهدر سستی که امر به معروف و نهی از منکر، روشانی و شیوه صالحان است. فریضه بزرگ است که به وسیله آن، سایر دستورها از ندهمیشود، راهها امن میگردد، کسبها حلال و مظالم به صاحبان اصلاح بر گردانده میشود. زمین آباد میگردد، از دشمنان انتقام گرفته میشود و تمامی کارها سامان مییابد». لذا کارایی امر به معروف و نهی از منکر، در تمامی مراحل شکل گیری عمل مجرمانه، چه قبل از وقوع جرم و در مرحله شکل گیری اندیشه مجرمانه و چه حین وقوع جرم و انجام فعل نابهنجار و در نهلیت چه پس از وقوع جرم، در پلایان عمل مجرمانه، باعث افزایش تأثیر بازدارندگی و اصلاح گرایانه این نهاد شده است.

در منطق اسلام، سرنوشت افراد یک جامعه، کاملاً به هم گره خورده است و بی تفاوتی و عدم بی تفاوتی افراد جامعه نسبت به عملکرد و سرنوشت دیگران، برابر است با بی تفاوتی و عدم توجه نسبت به سرنوشت خویش؛ پیامبر اکرم (ص) در این زمینه، در ضمن بیانی بسیار شیوا می فرماید: «کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیت»^{۱۳} «همه شما مسئول یکدیگرید و در مسئولیت های یکدیگر شریکید».

آن حضرت در جای دیگر با تشبیهی زیبا، گره خوردن سرنوشت انسان های یک جامعه را بسان یک کشتی معرفی می کند که سلامت آنها در گرو سلامت کشتی است و هیچ کس نمی تواند نسبت به سلامت کشتی، به این بهانه که من تنها زیر پای خویش را سوراخ می کنم، نادیده بگیرد و چنین توجیهی را بپذیرد^{۱۴}. در قرآن کریم و روایت اسلامی به طور مکرر، جوامعی معرفی شده اند که با آن که در میان آنها انسان های صالح و درستکاری نیز وجود داشته اند، اما به سبب آن که این افراد نسبت به کارهای بد دیگران بی اعتنا بوده اند، همه با هم در عذاب الهی گرفتار آمده اند. تمام این آموزه ها، در صدد القای این حقیقت هستند که انسان ها در صورتی که با سکوت خود، که مویذ آن است که رفتارهای زشت را تأیید نموده اند، لذا اثر اعمال سوء آنان متوجه اینان نیز خواهد شد.

به هر حال در جامعه ای که امر به معروف و نهی از منکر، به صورت یک امر عمومی در آمده و افراد این جامعه، عملکرد یکدیگر را کاملاً زیر نظر داشته، اعمال نیک اشخاص را تحسین و اعمال زشت و منحرفانه را تقبیح می نماید و هیچ کس نسبت به رفتار دیگر افراد جامعه، از خود بی تفاوتی نشان نمی دهد، خواه ناخواه، هر فرد عاقل را وا می دارد که در مقابل چشم این چنین ناظران و کنترل کنندگانی، نهایت دقت را در نحوه عملکرد خویش بنماید و خصوصاً از ارتکاب رفتارهای نابهنجار و منحرفانه، که واکنش منفی عمومی را در پی دارد، احتراز نماید. به هر ترتیب امر به معروف و نهی از منکر، در هر مرتبه، بیانگر حساسیت اجتماع در مقابل اعمال زشت و نابهنجار است. این حساسیت وقتی به شکل موثرتری ظاهر گردد، راه را بر رواج نابهنجاری ها در جامعه می بندد و بالعکس، وقتی جامعه ای در مقابل نابهنجاری ها، هیچ گونه مخالفتی نشان ندهد یا حساسیت ها و مخالفت ها بسیار ضعیف باشد، زمینه ترویج و تثبیت نابهنجاری ها فراهم می گردد و در اینجا است که چه بسا، نابهنجاری ها، شکل هنجار به خود بگیرد و منکرات در پوشش معروف، ظاهر گردد. ۱۵.

۲- حمایت‌های اجتماعی خویشاوندی « صله رحم »

آنچه در قالب حمایت های اجتماعی در حقوق اسلامی مدنظر است همان « حفظیوندهای خویشاوندی » یا به تعبیر دیگر « صله رحم » است. در تمام تحقیقات متعددی که توسط گروه های مختلف و بر روی طیف های گسترده سطوح اجتماع صورت گرفته، رابطه معناداری میان حفظیوندهای خویشاوندی و سازگاری اجتماعی و همچنین سلامت روحی - روانی افراد مورد شناسایی قرار گرفته است. صله رحم، بر اساس دستورالعمل اسلامی، یعنی اینکه انسان باید پیوند عاطفی خود را با بستگان و خویشاوندان، از جهت نیازهای انسانی و عاطفی پاسخ متناسب بدهد. ۱۶. به هر ترتیب، حفظ پیوندهای خویشاوندی از چند جهت می تواند در پیشگیری از وقوع جرایم و انحرافات اخلاقی و اجتماعی تأثیرگذار باشد؛ از جمله آنها، اثری است که این آموزه می تواند در رفع حوائج و نیازهای مادی و اقتصادی افراد داشته باشد؛ چرا که حفظ پیوندهای خویشاوندی تنها این نیست که انسان به خانه بستگان خود برود و یادی از آنان کند، بلکه مصداق کامل آن، این است که قبل از دیگران، نیاز آنان را برطرف و آنان را خوشحال سازد. ۱۷. از دیگر اثرات مهم حفظیوندهای خویشاوندی، نقشی است که این مهم می تواند در القای آرامش گری روحی و روانی افراد یک اجتماع ایفا نماید؛ امری که عدم آن یعنی آشفتگی روحی و روانی، به عنوان یکی از عوامل عمده انجام رفتارهای نابهنجار، در جرم شناسی مورد شناسایی قرار گرفته است. در حدیثی از امام صادق (ع)، یکی از فواید تحکیم و تقویت پیوندهای خانوادگی، طیب نفس و پاکیزگی روان آدمی از رنج ها، رنجش ها، کینه ها، اضطراب ها و افسردگی ها ذکر شده است. به هر جهت این امر، علاوه بر تأمین

برخی از نیازهای اساسی انسان، از جمله ضرورت برقراری تعامل اجتماعی افراد انسان با یکدیگر، یک شبکه گسترده نظارتی را نیز در درون جامعه به وجود می آورد که هر چقدر کیفیت و عمق این ارتباطات و کمیت و گستردگی این ارتباطات بیشتر باشد، این نظارت و کنترل اجتماعی نیز قوی تر و اثرات آن، در بازدارندگی از ارتکاب جرائم بیشتر خواهد بود. این کارکرد، هرچند در نهاد امر به معروف و نهی از منکر و اجرا شدن آن در جامعه نیز وجود دارد، اما در نهاد صله رحم، نقش پررنگ تر و تأثیرگذاری را در بر خواهد داشت؛ چراکه پیوندهای خویشاوندی به جهت احساس قرابت و نزدیکی بیشتر بین این افراد و در نتیجه، ترس مضاعف افراد به خاطر از دست دادن جایگاه و وجهه شخصیتی اشان در میان بستگان و اعضای خانواده، تأثیر بازدارندگی بیشتری را نیز خواهد داشت که متأثر از نوع انتخابی مدل مدیریت ساماندهی جرم می باشد.

۳- نظارت و کنترل نهادی « خانواده »

یکی دیگر از مراتب کنترل اجتماعی و نظارت مؤثر بر عملکرد افراد در نهاد خانواده است. نظارت و کنترل اجتماعی از این طریق، در بازداشتن بزهکاران بالقوه از ارتکاب جرائم گوناگون در همه جوامع، به ویژه جرائم جنسی، به عنوان یکی از کارکردهای مهم برشمرده شده است. این امر، یا از راه کنترل مستقیم خانواده بر رفتار اعضا و یا به طور غیر مستقیم و به عنوان پیامد کارکردهایی چون، ارضای نیازهای جنسی و عاطفی، حمایتی، مراقبتی و جامعه پذیری افراد خانواده محقق می گردد. نظارت و مراقبت اعضای خانواده بر عملکرد یکدیگر خصوصاً کنترل والدین بر رفتار فرزندان، به صراحت در قرآن کریم مورد تأکید است، چنانچه این نظارت و کنترل نهادی، هم رتبه و هم ردیف نظارت و کنترل شخصی هر فرد بر عملکرد خویش برشمرده شده است و این آیه شریفه « یا ایها الذین آمنوا قوا انفسکم و اهلیکم نارا و قودها الناس و الحجارة » ۱۸ « ای کسانی که ایمان آورده اید، خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن، انسان ها و سنگ است، نگه دارید » مورد تأکید قرار گرفته شده است و در مورد تفسیر این آیه، بیان شده که نگهداری و صیانت از خویشان، با ترک معاصی و عدم تسلیم در برابر شهوات سرکش حاصل می شود و حفظ و صیانت اعضای خانواده، با تعلم و تربیت و امر به معروف و نهی از منکر آنها و فراهم ساختن محیطی پاک و خالی از هرگونه آلودگی، در فضای خلنه و خانواده تأمین می گردد. کنترل خانوادگی در یک تقسیم بندی کلی در دو محور قابل بررسی است:

الف - نظارت و کنترل همسران بر عملکرد یکدیگر: هم به شیوه مستقیم و هم غیرمستقیم در تنظیم رفتارهای آنها تأثیرگذار است. کنترل مستقیم هر یک از دو زوج بر رفتارهای طرف مقابل، به ویژه رفتارهای جنسی خارج از چارچوب ازدواج امری است که در بسیاری از فرهنگ های گذشته و حال به

چشم می خورد، هر چند به دلیل عواملی مانند قدرت بیشتر مردان و نقش های جنسیتی زنان توسط شوهران، این کنترل بیشتر از سوی مردان نسبت به زنان اعمال شده است و کنترل جنسی زن توسط شوهران، از گذشته های دور وجود داشته و همواره از پشتوانه نیرومند فرهنگی، دینی و فلسفی برخوردار بوده است ۱۹. در اسلام، علاوه بر تأکید نسبت به نقش کنترل های دورنی اشخاص در بازداشتن آنها از اقدام به رفتارهای نابهنجار اجتماعی و آلوده شدن به مفاسد و انحرافات اخلاقی، نقش کنترلی اعضای خانواده، به ویژه همسران بر عملکرد یکدیگر، از طریق تأکید بر محیطی صمیمی و محبت آمیز و ایجاد فضای عاطفی صورت می پذیرد؛ به عبارت دیگر در آموزه های دینی با تأکید بر خانواده عاطفی، سعی می گردد که در هنگام رویارویی و مواجهه با وسوسه های نفسانی و زمینه های مساعد پیش از ارتکاب بزه، حس وفاداری و عشق و علاقه به همسر، به عنوان عزیزترین کسان شخص، وی را از درون از بزهکاری بازدارد؛ کننده ای در بین نباشد. پر واضح است که چنین نظارتی علاوه بر اثر درون کنترلی، متضمن اثرات مثبت کنترل رفتار در افراد، که به واسطه ترس از احتمال کشف واقعه انجام بزه و عواقب سوء ناشی از آن در زندگی خانوادگی پدیدار می شود، نیز می باشد. بر این اساس، هر یک از زوجین، در وضعیت های پیش جنایی با تداعی پیامدهای احتمال ناشی از رفتار ناصواب خویش، نهایت دقت را در عملکرد خویش نموده و به احتمال قوی، منافع آنی و زودگذر ناشی از ارتکاب رفتار نابهنجار و از بین رفتن روابط گرم و صمیمی خود با همسر و از هم پاشیدگی کانون خانواده ترجیح نمی دهند. نقش کنترلی نهاد خانواده در عملکرد همسران، علاوه بر کنترل مستقیم، به طور غیرمستقیم و از راه ایجاد فضایی همراه با آرامش و امنیت و ارضای نیازهای جنسی و عاطفی همسران نیز، ایفای نقش کرده و آنان را از گرایش به کجروی باز می دارد. واضح است که آرامش روانی حاصل از ازدواج، علاوه بر مسئولیت پذیر کردن انسان و شکیبایی بخشیدن در برابر دشواری های زندگی و افزایش شور و نشاط در فعالیت، فرد را از دچار شدن به اختلالات روانی که یکی از مهم ترین عوامل بزهکاری است، مصون می سازد.

ب - کنترل صحیح رفتار فرزندان از سوی والدین: از دیگر کارکردهای بنیان خنواده کنترل صحیح رفتار فرزندان از سوی والدینی باشد که دارای دو جنبه مستقیم و غیرمستقیم است. تأثیر کنترلی غیر مستقیم نهاد خانواده بر رفتار فرزندان، همان اثری است که این نهاد، در احساس آرامش گری و امنیت برای فرزندان به ارمغان خواهد آورد. طبق تحقیقات انجام شده در مورد بزهکاری کودکان و نوجوانان در جرم شناسی، ثابت شده که وجود هرگونه ناآرامی در خانواده، همچون وجود ستیز و ناسازگاری بین پدر و مادر، فقدان روابط گرم، محبت آمیز و حملیت گرلیله بین والدین و فرزندان، کجروی های والدین و بدرفتاری و خشونت آنان با فرزندان، از عوامل مؤثر بر کجروی و ارتکاب جرم توسط آنان می باشد ۲۰. نظارت و کنترل مستقیم بر رفتار فرزندان نیز، امری است که به طور عام در آیه ششم از سوره تحریم بیان شده «یا ایهاالذین آمنوا قوا انفسکم و اهلیکم نارا و قودها الناس و الحجاره» ۲۱ «ای کسانی که ایمان آورده

اید، خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن، انسان‌ها و سنگ است، نگه دارید» از جمله مهم‌ترین وظایف و مسئولیت‌های والدین محسوب می‌گردد. لذا مراقبت کامل والدین بر رفتار فرزندان خویش، نقش اساسی در جلوگیری از انحرافات و کجروی‌های احتمالی آنها بر عهده دارد و در این خصوص، نظارت بر همشینیان و دوستان نوجوان، نیز بسیار مهم است. نظارت والدین بر رفتار فرزندان در اسلام، مبتنی بر پرورش و تربیت صحیح آنان بر اساس اصل محبت و عاطفه است و نه ترس از مجازات. بر این اساس، آموزه‌های دینی، ضمن پاسداشت اصل محترم بودن شخصیت انسانی کودک و لزوم توجه به ارزش‌های وجودی آنان توسط والدین، بر نقش هدایتگری و راهنمایی پدر و مادر در شناساندن نیک و بد فرزندان تأکید می‌کند^{۲۲}.

۴- حرمت‌نگاه‌به‌نامحرم

از جمله مصادیق جرم انگاری‌های مانع در اسلام، تحریم و گناه دانستن نگاه غیر به نامحرم است. خداوند در قرآن کریم، در یک وظیفه همگانی خطاب به مردان و زنان مؤمن می‌فرماید: «قل للمؤمنین یغضوا من ابصارهم فروجهم ذلک ازکی لهم ان الله خبیر بما یصنعون و قل للمؤمنات یغضضن من ابصارهم و یحفظن فروجهن»^{۲۳}. «به مؤمنان بگو چشم‌های خود را (از نگاه نامحرم) فرو گیرند و عفاف خود را حفظ کنند. این برای آنان پاکیزه‌تر است. خداوند از آنچه انجام می‌دهید، آگاه است! و به زنان با ایمان بگو چشم‌های خود را (از نگاه هوس‌آلود) فرو گیرند و دامان خویش را حفظ کنند».

غض بصر، به معنای شکستن و کاهش دادن نگاه است که کنایه از خیره نگاه کردن می‌باشد؛ معنای غض بصر در آیه شریفه فوق‌الذکر، خیره نشدن و چشم چرانی نکردن به نامحرم است و به نظر می‌رسد مورد نهی واقع شدن نگاه‌های خیره در مکتب اسلام، دقیقاً در جهت جرم انگاری یکی از رفتارهای مقدماتی جرائم جنسی و منافی عفت صورت گرفته باشد؛ چرا که همان‌طور که در فقه اسلامی و رساله‌های علمیه مراجع تقلید هم ذکر شده، حرمت نگاه به نامحرم، دایر مدار قصد تماشاگری و التذاذ و یا خوف به فساد افتادن است؛ یعنی اگر نگاه به نامحرم با قصد ریه و التذاذ باشد و یا چنین قصدی در بین نباشد، ولی شخص احتمال بدهد که بر اثر نگاه به نامحرم، ممکن است به فساد بیافتد، موضوع حکم حرمت قرار می‌گیرد، ولی در غیر صور فوق، نگاه به نامحرم، در حدود تجویز شده شرعی اشکالی ندارد. امام صادق (ع) در رابطه با نگاه شهوانی و عواقب سوء ناشی از آن، اینچنین توصیف می‌فرماید: «النظر سهم من سهام ابلیس مسموم و کم من نظره اورثت حسره طویله»^{۲۴}. «نگاه حرام و آلوده، تیری از تیرهای شیطان است و چه بسا نگاه‌هایی که موجب حسرت و پشیمانی طولانی شده است».

و در حدیثی دیگر اما صادق (ع) اینچنین می‌فرماید: «النظره بعد النظاره فی القلب الشهوه و کفی بها لصاحبها فتنه» ۲۵. «نگاه به دنباله نگاه اول، در قلب انسان، شهوت را می‌رویانند و برای صاحبش موج فتنه خواهد شد». که همه اینها بیان‌کننده آن است که در حقوق کیفری اسلامی به مدیریت ساماندهی جرم از طریق جرایم مانع نیز توجه شده است و در این جهت اقدامات پیشدستانه صورت گرفته شده است.

۵- حرمتخلوتبانا محرم

از جمله مکان‌هایی که در آن فرصت انجام بزه بسیار مهیا است؛ خلوت‌ها و مکان‌هایی است که از انظار و نظارت دیگران خارج است و از این رو، هیچ نوعی مراقبتی در آن وجود ندارد. امیرالمومنین علی (ع) از جمله علل و اسباب فجور و ارتکاب اعمال ناشایست را خلوت‌ها می‌داند و افراد را از آن پرهیز می‌دهد و اینچنین می‌فرماید: «سبب الفجور الخلو» ۲۶. «علت و سبب انجام گناهان (مکان‌های) خلوت است». جرم‌زا بودن مکان‌های خلوت، با وجود مرد و زن نامحرم، به مراتب وضعیت و موقعیت مستعدتری را برای انجام اعمال مجرمانه، به ویژه جرایم جنسی به وجود خواهد آورد. در کتب شریفه «وسایل الشیعه» بابی تحت عنوان «حرمت خلوت با زن نامحرم» اختصاص داده شده که در ذیل آن، روایات معصومین در این خصوص آورده شده است، که در این رابطه حدیثی از پیامبر اکرم (ص) بیان شده است که ایشان فرموده‌اند: «من کان یومن بالله و الیوم الاخر فلا یبیت فی موضع یسمع نفس امره بمحرم» ۲۷. «هر کس به خدا و روز قیامت ایمان دارد، در مکانی که نفس زن نامحرمی را می‌شنود، نماند».

لذا به واسطه وجود حالت و موقعیت خطرناکی که احتمال وقوع جرایم منافی عفت و جنسی، در آن بالا می‌رود، این موضوع، در حقوق اسلامی مورد نهی به جهت مفسده آن و حرمت قرار گرفته است. استاد شهید مطهری در رابطه با علت این جرم‌انگاری در اسلام بیان می‌دارد، در مسائل مربوط به غریزه جنسی، به حکم تأثیر قوی و تحریک‌شدیدی که این غریزه در وجود انسان دارد، تقوا و ایمان قوی افراد نیز نمی‌تواند تضمین‌کننده مستحکمی برای خویشتن‌داری و عدم ارتکاب جرایم جنسی باشد. بر همین اساس، در اسلام دستور داده شده که خلوت با وسیله بی‌عفتی ممنوع است، زیرا این خطر، خطری است که می‌تواند احیاناً در حصار تقوا، هر اندازه هم که منیع و مستحکم باشد، نفوذ کند و این حصار را فتح نماید. ۲۸.

۶- حرمتتکدی‌گری و گدایی

تکدی‌گری و تقاضای از مردم، بدون نیاز در مکتب‌اسلام، یک‌یازگناهان بزرگ‌است. جرم‌انگاری این انحراف اجتماعی، بیش از هر چیز به مفاسد مترتب بر درخواست و تقاضای شخص متکدی از مردم مربوط می‌شود و روایات متعددی که از معصومین (ع) به دست ما رسیده، به شدت این کار مورد نگویش قرار گرفته شده

است. پیامبر اکرم (ص) در مورد چنین عملی می فرماید: « من سئل شیئاً و عنده ما یغنیه فانما یستکثره من جمر جهنم» ۲۹ « کسی که از مردم چیزی درخواست کند، در حالی که به مقدار کفایت دارد، آتش دوزخ را برای خود افزون می سازد». و همچنین در جای دیگر فرموده است: « لا تحل الصدقه لغنی» ۳۰ « صدقات برای افراد بی نیاز حرام است». و همچنین در برخی از روایات وارد شده که شهادت متکدیان پذیرفته نیست: « شهاده السائل الذی یسال فی کفه لا تقبل» ۳۱ « شهادت سائلی که با دست دراز کردن در نزد مردم گدایی می کند، پذیرفته نیست».

به نظر می رسد که فلسفه اصلی جرم انگاری و بر خورد شدید با متکدیان و گدایان در تعالیم اسلامی، به جهت جلوگیری از نابودی احساس خود ارزشمندی و عزت نفس در افراد است و همچنین اینکه فردی که دست خویش را جلوی مردم دراز می کند و از آنان درخواست کمک مالی می نماید، خصوصاً در مواقعی که نیاز مالی نیز نداشته باشد، عزت نفس انسانی خویش را زیر پا گذاشته و ارزش های وجودی خویش را تباه نموده است. چنین اشخاصی به علت دچار شدن به خود کم بینی و لگد مال کردن شخصیت انسانی خویش، دیگر برای خود ارزشی قائل نیستند و به همین دلیل، به راحتی در دام اعمال غیر اخلاقی گرفتار می شوند و دست به ارتکاب بزه می زنند. اینان حتی از آسیب رساندن به دیگران نیز هیچ ابایی ندارند؛ چرا که عامل بازدارنده ای در خود احساس نمی کنند.

۷- ممنوعیت مجامعت همسران در انظار

قرآن کریم در معرفی یک ادب اسلامی و به عنوان یک از موارد مدیریت ساماندهی جرم در قلب جرم انگاری مانع در جهت جلوگیری از مواجهه کودکان با صحنه های جنسی و تهییج نا به هنگام تمایلات خفته جنسی در آنها و بر انگیخته شدن حس کنجکاوی می فرماید: « یا ایها الذین آمنوا یستأذنکم الذین ینزلونکموا الذین ینمیبلغوا الحلم منکم مثلاً نمرات من قبل صلاة الفجر و حیث یتضعون ثیابکم من الظهیرة و من بعد صلاة العشاء ثلاً ثعورا تکلکم لیس علیکموا لا علیهم جنا حیدهنطوا فو نعلیکم بعضکم علی بعض کذلک یبیینا للهل کمالاً یا تو اللهلعلیم حکیم» ۳۲ « ای کسانی که ایمان آوردید! بردگان شما، و هم چنین کودکانان که به حد بلوغ نرسیده اند، در سه وقت باید از شما اجازه بگیرند: پیش از نماز صبح، و نیمروز و هنگامی که لباس های (معمولی) خود را بیرون می آورید، و بعد از نماز عشاء. این سه وقت خصوصی برای شماست». در این آیه، ضمن مشخص نمودن مواقع خاص، با بیان علت این حکم و تعلیم این ادب اسلامی به فرزندان از والدین و سرپرستان کودکان می خواهد. در همین زمینه، روایات متعددی نیز از معصومین بیان شده که در آنها، بر انجام عمل جنسی به دور از انظار کودکان تاکید شده و آثار و عواقب بسیار وخیم و عدم توجه به این دستور اسلامی مورد گوشزد قرار گرفته است. از جمله این روایات، حدیثی است که از پیامبر اکرم

(ص) به شرح زیر نقل شده است: «والذی نفسی بیده لو أنّ رجلاً غشی امراته و فی البیت صبی مستیقظ یراهما و یسمع کلامها و نفسهما ما افلح ابدا اذا کان زانیا او جاریه کانت زانیه»^{۳۳} به خدا قسم اگر مردی با همسر خود پیامیزد و در اتاق کودک بیداری، آن دو را در حال آمیزش ببیند، سخنان آنها و هم چنین صدای تنفسشان را بشنود، آن طفل هرگز رستگار نخواهد شد: اگر دختر باشد یا پسر، سرانجام به زناکاری آلوده می شود. امام صادق (ع) نیز در این باره می فرماید: «لا یجامع الرجل امراته و لا جاریته و فی البیت صبی فان ذلک یورثه الزنا»^{۳۴} موقعی که در اتاق، کودکی حضور دارد، مردان با زنان یا کنیزان خویش، مجامعت نکنند، زیرا این عمل طفل را به بی عفتی و زنا کاری سوق می دهد. حتی دانشمندان علوم تربیتی در زمینه مسائل جنسی، بر این امر تاکید نموده اند که غریزه جنسی، پیوسته در انسان ها وجود دارد و حتی در کودکان از هنگام زاده شدنشان، این غریزه به چشم می خورد، اگر چه تا سن بلوغ به صورت پنهان فعالیت می کند. به همین دلیل، مسئله اساسی آن است که از هر گونه عملی که موجب برانگیختن حس شهوت در کودکان می شود، باید خود داری گردد.

۸- تبعیض و بی عدالتی

اساس و هدف متعالی حکومت اسلامی برقراری قسط و عدالت در جامعه می باشد. تا آنجا که امام علی (ع)، عدالت را به عنوان هدف بزرگ و الهی و انسانی و اسلامی خود می دانست و در راه تحقق آن از هر نوع کوششی دریغ نمی داشت و سخنان حکیمانه آن بزرگوار، در زمینه عدل و قسط، کتابی گویا و مکتبی نورانی برای همه عدالتخواهان و آزادیخواهان عالم تا قیامت است، که در اینجا بازگو می شود: «الْعَدْلُ اَفْضَلُ سَجِيَّةٍ»^{۳۶} «عدالت برترین خصلت است». و «يَوْمُ الْعَدْلِ عَلَى الظَّالِمِ اَشَدُّ مِنْ يَوْمِ الْجَوْرِ عَلَى الْمَظْلُومِ»^{۳۷} «روز عدالت بر ستمگر سخت تر است از روز ستم بر مظلوم». و همچنین: «كُونَا لِلظَّالِمِ خَصْمًا وَ لِلْمَظْلُومِ عَوْنًا»^{۳۸} «دشمن ظالم باشید و یاور مظلوم». همان طور که اشاره شد سخن در این زمینه فراوان است و نمی توان امام علی (ع) را بدون عدالت و عدالت را بدون علی (ع) شناخت و یا معرفی کرد. با توجه به اهمیت و حساسیت این موضوع، سیره و شیوه ها و سیاستهای حکومت اسلامی در راه تحقق عدالت و مبارزه با تبعیض، پرخوری، ظلم، تجاوز، خودسری، خیانت، رشوه، زورگویی و دهها عمل خلاف دیگر، در راه تحقق و اجرای عدالت باز می نمایند و واقعبارزها تبعیضو بعدالتیبهعنوانیکیا ز راهبردها بشناسا میموقعیت هایدار ایخطر بیزهکاریدر راستایمدیریتساماندهی جرم از طریق این راهبرد صورت می پذیرد، که در حقوق کیفری اسلامی مورد تاکید قرار گرفته شده است.

۹- خونریزی به ناحق

یکی از صفات مذمومی که پایه های حکومت اسلامی را متزلزل می کند و موجب سقوط آن می شود و در تعارض با حقوق شهروندی می باشد و بعضاً به جهت آن ، موجب بی عدالتی می شود ، این است که حاکم و حاکمیت روحیه سفاکی و خون ریزی به ناحق داشته باشد . حضرت علی علیه السلام ، حاکمان را از چنین اعمال زشتی برحذر می دارد . ایشان خطاب به مالک اشتر مرقوم داشته است : « إياك و الدماء و سفکها بغیر حلها فإنه لیس شیء أدنی لثمنه و لا أعظم لتبعه و لا أحرى بزوال نعمه و إنقطاع مده من سفک الدماء بغیر حقها والله مبتدئ بالحکم بین العباد فیما تسافکوا من الدماء یوم القیامة فلا تقوین سلطانک بسفک دم حرام فإن ذلک مما یضعفه و یوهنه بل یزیله و ینقله و لا عذر لک عند الله و لا عندی فی قتل العمد لأن فیہ قود البدن و إن ابتلیت بخطی و أفرط علیک سوطک أو سیفک أو یدک بالعقوبة فإن فی الوکرة فما فوقها مقتلة فلا تطمحن بک نخوت سلطانک عن أن تؤدی إلى أولیاء المقتول حقهم... » ۳۹ « از خون ریزی پرهیز و از خون ناحق پروا کن ، که هیچ چیز همانند خون ناحق کیفر الهی را نزدیک و مجازات را بزرگ نمی کند و نابودی نعمت ها را سرعت نمی بخشد و زوال حکومت را نزدیک نمی گرداند ، ... پس با ریختن خون حرام ، حکومت خود را تقویت مکن ؛ زیرا خون ناحق پایه های حکومت را سست و پست می کند و بنیاد آن را بر کنده ، به دیگری منتقل می سازد ، و تونه در نزد من و نه در پیشگاه خداوند ، عذری در خون ناحق نخواهی داشت ؛ چرا که کیفر آن قصاص است و از آن گریزی نمی باشد . اگر به خطا خون کسی ریختی ، یا تازیانه یا شمشیر زدی ، یا دست دچار تندروی شد ، که گاه مثنی سبب کشتن کسی می گردد ، چه رسد به بیش از آن ، مبادا غرور قدرت تو را از پرداخت خون بها به بازماندگان مقتول باز دارد . »

بنابراین ، حاکم اسلامی باید با توجه به عواقب سوء خون ریزی به ناحق ، دست خویش را به خون هیچ بی گناهی آلوده نسازد و در صورت اشتباه نیز ضمن پذیرش خطا ، خسارت وارد شده را جبران نماید ؛ در غیر اینصورت بی شک خونریزیبناحق ، که می تواند مبنای بی عدالتی باشد و عاملی جهت ارتکاب جرم و عدم اعتماد به نهاد حاکمیت و عدم انتظار از حاکمیت جهت اجرای عدالت و دور شدن از اجرای عدالت دولتی و گرایش به سمت و سوی انتقام خصوصی می باشد .

۱۰- تکبر و خودپسندی

یکی از آسیب هایی که ممکن است حاکم و کارگزار را دچار آسیب جدی نماید و حقوق شهروندی را نقض کند ، روحیه تکبر و استبدادگری حاکمان و کارگزاران دولت است . حضرت علی علیه السلام در عهدنامه مالک اشتر ، خطاب به وی می فرماید : « و لا تقولن انی مؤمر أمر فأطاع فان ذلک إدغال فی القلب و منهکة للبدین و تقرب من الغیر... » ۴۰ « به مردم نگویند من فرمان داند و من نیز فرمان می دهم ، پس جلید اطاعت شود ، که این گونه خود بزرگ بینی دل را فاسد و دین را پژمرده و موجب زوال نعمت هاست . »

به هر ترتیب شاید ، بزرگترین آفت در برقراری حکومت اسلامی ، تسلط مستکبرانه کارگزاران بر مردم و عدم مدارا کردن با مردم باشد . در هر حال فلسفه حکومت اسلامی این است که حاکمیت اصلی ازان

خداوند است و اوست که حاکم اصلی مردم می باشد؛ بنابراین، حاکم اسلامی باید از هر نوع غرورزدگی، خودمحموری و خودبزرگ بینی بدور باشد. پس در محدوده پست و مقام، برای مقابله با انواع زشتی ها و آفات ارزش ها و نقض حقوق شهروندی، باید با توجه به قدرت لایزال الهی و مدیریت عمومی و جاودانه حضرت حق، بر کل نظام هستی پیش رفت. اگر یک مدیر آگاه، همه عالم را محضر خدا بداند و او را در رأس همه مدیریت ها ناظر بر کار مدیران بشناسد، می تواند به خوبی بدرخشد و جامعه را به سوی کمال و تعالی سوق دهد.

۱۱- خیانت در بیت المال

حضرت علی علیه السلام در مساله بیت المال بسیار سختگیر بود؛ بشدت به اعمال کارگزاران رسیدگی می کرد و در صورتی که خیانتی از آنها می دید آنها را از مساله آگاه ساخته و خشم و ناراحتی خود را ابراز می کرد و به آنها گوشزد می کرد که تقسیم بیت المال به دست حاکم است و او در این مورد تفاوتی بین مردم قائل نیست؛ از جمله به فرماندار فیروزآباد می نویسد: «بلغنی عنک امر ان کنت فعلته فقد اسخطت الهک، و عصیت امامک: انک تقسیم فیء المسلمین الذی حازته رماحهم و خیولهم و اریقت علیه دماؤهم، فیمن اعتامک من اعراب قومک. فوالذی فلق الحبة و برأ النسمة، لئن کان ذلک حقاً لتجدن لک علی هوانا و لتخفن عندی میزاناً، فلا تستهن بحق ربک و لا تصلح دنیاک بمحق دینک، فتکون من الاخسرین اعمالاً ألا و إن حق من قبلک و قبلنا من المسلمین فی قسمة هذا الفیء سواء. یردون عندی علیه و یصدرون عنه» ۴۱ «گزارشی از تو به من رسیده که اگر چنان کرده باشی خدای خود را به خشم آورده ای و امام خویش را نافرمانی کرده ای. خبر رسید که تو غنیمت مسلمانان را که با نیزه ها و اسبهایشان گرد آمده و با ریخته شدن خونهایشان به دست آمده، به اعرابی که خویشاوندان تو را بر گزیده اند، می بخشی! به خدایی که دانه را شکافت و پدیده ها را آفرید، اگر این گزارش درست باشد در نزد من خوار شده ای و منزلت تو سبک گردیده است! پس حق پروردگارت را سبک مشمار و دنیای خود را با نابودی دین آباد نکن، که زیانکارترین انسانها خواهی بود. آگاه باش، حق مسلمانانی که نزد من یا پیش تو هستند، در تقسیم بیت المال مساویست؛ همه باید به نزد من آیند و سهم خود را از من بگیرند».

۱۲- تجمل گرایی

سلوک ساده زیستانه از لوازم حکومت حکیمانه است و پیشوای پارسایان، علی علیه السلام چنین سلوکی را برای زمامداران واجب و ضروری دانسته، فرموده است: «ان الله تعالی فرض علی ائمة العدل ان یقدروا بضعة الناس کیلاً یتبغ بالفقیر فقره» ۴۲ «خداوند بر پیشوایان حق واجب کرده که خود را با مردم ناتوان همسو کنند، تا فقر و نداری، تنگدست را به هیجان نیاورد، و به طغیان نکشاند». فلسفه سلوک ساده

زیستانه ، آزادی از اشرافیت به منظور خدمت هرچه بهتر است ؛ همراهی و همدردی با مردم ناتوان و درک ملموس زندگی آنان ، در جهت تلاش برای برپا کردن عدالت و رفاه برای ایشان و نیز بازداشتن توانگران از سرکشی و طغیان است . پیشوای موحدان ، علی علیه السلام در این باره چنین رهنمود داده است : « ان الله جعلنی اماماً لخلیفه ، ففرض علی التقدير فی نفسی و مطعمی و مشربی و ملبسی کضعفاء الناس ، کی یفتدی الفقیر بعقری ، ولا یطغی الغنی بغناه ... » ۴۳ « امیر مؤمنان علیه السلام این سلوک ساده زیستانه را پاس می داشت و با تمام توان در جهت برپایی عدالت و رفاه برای مردمان گام برمی داشت . » حضرت مکرراً به کارگزاران خویش توصیه می کردند که ساده زندگی کنند و از رفاه و تجمل گرایی پرهیزند و خصوصاً با مال حرام ثروت اندوزی نکنند و همیشه خدا را ناظر بر اعمالشان بدانند . امام همیشه خودشان همکاسه فقرا و مستمندان می شدند و از اینکه دعوت ثروتمندان را بپذیرند ، کراهت داشتند ؛ لذا به کارگزاران خود نیز سفارش می کردند سر سفره ای که هیچ مسکینی ننشسته ، حاضر نشوند و از خوردن لقمه شبهه دار پرهیزند . حضرت علی علیه السلام در تمام توصیه های اخلاقی ، عمل خود را نیز گوشزد کرده به کارگزاران یادآوری می کرد که بلید پیرو امام خودباشند که عامل به فرایض و همه فرمانهای خویش است ، آن حضرت همیشه ساده زندگی می کرد و دلیل این کار را هم پرهیزگاری خود می دانست .

نتیجه گیری:

مدیریت ساماندهی جرم از نگاه حقوق کیفری ، مربوط به رفتار ، اعمال و موقعیت های نامطلوبی می باشد که اثر منفی بر کیفیت زندگی و مهمترین ارزش های مورد توافق جامعه یا بخشی از آن دارد و از منظر جرم شناختی ، مدیریت ساماندهی جرم ، عبارت از ، مدیریت سرو سامان دادن ، بهبود و نظم دهی ، در جهت بهتر شدن اوضاع و احوال وضعیت های خطرناک ارتکاب جرم می باشد. در مدیریتی ساماندهی جرم ، آنچه مهم است ، کنترل و نظارت بر مناطق و محیط های جرم خیز است و در واقع در این مدل به منظور خشی سازی و توان گیری و منزوی کردن و دور کردن مجرمین از موقعیت جرم خیز صورت می گیرد و به همین دلیل هم است که به آن « عدالت محاسبه گر » یا « عدالت سنجشی » یا « عدالت تخمینی » یاد می شود و این نوع سیاست جنایی در قالب ساماندهی جرم ، شیوه ای نوین در کاهش و کنترل بزهکاری به شمار می آید . در نتیجه رسیدن به یک مدیریت ساماندهی جرم ، اهدافی از قبیل آن انتظار می رود که مهمترین آن عبارت از ، اقتصادی کردن نظام عدالت کیفری ، حفظ کرامت انسانی ، اصلاح و درمان و پیشگیری از ارتکاب جرم و در جهت اهدافی که از مدیریت ساماندهی جرم بدست می آید ، نیازمند راهبردهایست که بتوان اهداف مورد انتظار از مدیریت ساماندهی جرم محقق گردد ؛ که این راهبرد عبارت از ، شناسایی عوامل ارتکاب جرم از جمله « عوامل جرم زا » و « عوامل بازدارنده » و همچنین کنترل و نظارت بر جرم که موجب ایجاد

تغییر در رفتار به طور ظاهری و « تغییر در باورها و عقاید شخصی » می‌گردد. و موارد کاهش و مهار میزان وقوع جرم از منظر اسلام در قالب مدیریت ساماندهی جرم از طریق تغییر وضعیت فرد در معرض بزهکاری « کنشگر عمل مجرمانه »، برای جلوگیری از وقوع جرایم و محقق‌کننده عناصر جرم، از طریق تغییر وضعیت فرد در معرض بزهکاری با اعمال و تدابیر کنترلی و نظارتی و برخی اعمال مقدماتی انحراف گونه، که در سیاست جنایی اسلام از طریق نظارت همگانی « امر به معروف و نهی از منکر »، حمایت‌های اجتماعی خویشاوندی، نظارت و کنترل نهادی « خانواده » و جرم‌انگاری انحرافات به عنوان جرایم مانع، که از طریق جرم‌انگاری و حرمت نگاه به نامحرم، خلوت با نامحرم، حرمت تکدی‌گری و گدایی و ممنوعیت مجامعت همسران در انظار، که هدف از این جرم‌انگاری‌ها، نه به خاطر مفسده ذاتی آن اعمال یا حالات، بلکه دقیقاً به علت بازدارندگی از بزهکاری و به جهت مقدمی بودن این موارد در سوق دادن افراد به جرائم و مفسد آتی در راستای مدیریت ساماندهی تغییر وضعیت فرد در معرض بزهکاری می‌باشد. واز مواردی که در مدل مدیریت ساماندهی جرم، در جهت کاهش ارتکاب جرم، نیازمند مدیریت و ساماندهی می‌باشد، تغییر وضعیت افراد، اشیاء یا اماکن در معرض بزه دیدگی می‌باشد. چرا که این مفهوم نوین با هدف کاهش و کنترل بزهکاری؛ به صورت همه جانبه از طریق شناسایی موقعیت‌های دارای خطر بزهکاری و جاذبه‌زدایی و پرهزینه کردن ارتکاب جرم و همچنین مصون‌سازی آماج‌های بالقوه جرم و مناطق پرخطر و محافظت و تقویت آماج‌های بالقوه جرم، در جهت رؤیت‌پذیری و بالا بردن هزینه ارتکاب جرم به واسطه افزایش احتمال شناسایی و دستگیری مرتکب، خطر ارتکاب جرم را مدیریت می‌نماید. که در سیاست جنایی اسلام از طریق ذیل محقق می‌گردد: الف - شناسایی موقعیت‌های دارای خطر شخصی و همچنین خطر نوعی با اعمال رفتار حاکمیتی در غلبه عدم تبعیض و بی‌عدالتی، خون‌ریزی به ناحق، تکبر و خودپسندی «استبداد گری»، امتیاز ندادن به خویشان و اطرافیان و پرهیز از سوء استفاده از مقام، خیانت در بیت المال، تجمل‌گرایی، احتجاج از مردم محقق می‌گردد. ب - جاذبه‌زدایی و پرهزینه کردن ارتکاب جرم در راستای مدیریت ساماندهی جرم در غالب عدم استجابت دعا به عنوان اثر وضعی گناه و همچنین افتادن از چشم خوبان، رسوایی، خشکسالی و نباریدن باران، نزول بلا و آفت، نسیان و فراموشی، سلب امنیت روانی، کوتاهی عمر و مرگ زود رس، فقر، بیچارگی و فلاکت محقق می‌گردد. ج - مصون‌سازی و محافظت آماج‌های بالقوه جرم در راستای مدیریت ساماندهی جرم، از طریق قرار دادن اموال در حرز در راستای مصون‌سازی و محافظت آماج‌های جرم و همچنین عدم در اختیار گذاشتن اموال به شارب خمر و مجبورین، توجه مبانی فقهی به مدیریت در عدم ارتکاب جرم « گناه » تحت عنوان ساماندهی جرم می‌باشد.

منابع و ماخذ:

۱-سوره مبارکه طه، آیه شریفه ۱۲۱

۱۰-سوره مبارکه آل عمران ، آیه شریفه ۱۱

۱۱ . معاونت مرکز تحقیقات قوه قضائیه قم ، در آمدی بر پیشگیری از وقوع جرم ، ماهنامه دادرسی ، شماره ۲۰ ، ۱۳۷۹ ، ص ۳۴ .

۱۲- طوسی ، محمد بن حسن ، تهذیب الاحکام ، جلد ششم ، تهران ، انتشارات دارالکتب الاسلامیه ، ۱۳۶۵ ، ص ۱۸۰ .

۱۳- عاملی جبعی ، زینلددینبنورالدینعلیناحمد، منیه المرید ، قم ، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم ، ۱۴۰۹ ، ص ۳۸۱ .

۱۴- فراس ، ورام بن ابیث ، تنبیه الخواطر و نزهه النواظر « مجموعه ورام »، جلد دوم، قم ، انتشارات مکتبه الفقیه ، بی تا ، ص ۲۹۴ .

۱۵- حاجی ده آبادی ، محمدعلی، امر به معروف و نهی از منکر و سیاست جنایی، فصلنامهفقهو حقوق ، شماره ۱ ، ۱۳۸۳ ، ص ۹۹ .

۱۶- مهدوی کنی، محمدرضا ، نقطه های آغاز در اخلاق عملی ، تهران ، انتشارات نشر دفتر نشر فرهنگاسلامی ، ۱۳۹۵ ، ص ۵۴۰ ،

۱۷- مهدوی کنی، محمد رضا ، نقطه های آغاز در اخلاق عملی، تهران، انتشارات نشر دفتر نشر فرهنگاسلامی ، ۱۳۹۵ ، ص ۵۶۰ .

۱۸- کلینی ، محمد بن یعقوب ، الکافی ، جلد دوم ، تهران ، انتشاراتدارالکتباالاسلامیه ، ۱۳۶۵ ، ص ۱۵۱ .

۱۹-بستان «نجفی» ، حسینوهمکاران،اسلاموجامعهشناسیخانواده ،قم،انتشارات پژوهشگاهحوزهدانشگاه ، ۱۳۸۵ ، ص ۹۷

۲۰- کی نیا ، مهدی ، جرم شناسی ، جلد اول ، تهران ، انتشارات مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران ، ۱۳۸۲ ، ص ۲۱۱ .

۲۱- سوره مبارکه تحریم ، آیه شریفه ۶ .

۲۲- فلسفی ، محمد تقی ، کودک از نظر وراثت و تربیت ، جلد دوم ، تهران ، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی ، ۱۳۷۷ ، ص ۸۱ .

۲۳-سوره مبارکه نور ، آیات شریفه ۳۰ و ۳۱ .

۲۴-برقی ، احمد بن محمد بن خالد ، المحسان ، جلد اول ، قم ، انتشارات دارالکتب الاسلامیه ، ۱۳۷۱ ، ص ۱۰۹ .

- ۲۵- قمی ، محمد بن بابویه معروف به شیخ صدوق ، من لایحضره ، جلد چهارم ، قم ، انتشارات موسسه انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم ، ۱۴۱۳ ، ص ۱۸ .
- ۲۶- تمیمی آمدی ، عبدالواحد، غرر الحکم در الکلم ، قم ، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم ، ۱۳۶۶ ، ص ۴۲۶ .
- ۲۷- حرالعالمی ، محمد بن الحسن ، تفصیل و سائل الشیعیه الیه تحصیلم سائل الشریعه ، جلد بیستم ، قم ، انتشارات موسسه آل‌البیت (علیه السلام) لاحیاء التراث ، ۱۴۱۶ ، ص ۱۸۵ .
- ۲۸- مطهری ، مرتضی ، بیستگفتار ، تهران ، انتشارات صدرا ، ۱۳۷۸ ، ص ۳۲ .
- ۲۹- مکارم شیرازی ، ناصر ، الامثل فی تفسیر کتاب الله المنزل ، جلد دوم ، ترجمه و تخلص جمعی از فضلا ، قم ، انتشارات مدرسه الامام علی بن ابی طالب ، ۱۳۷۹ ، ص ۳۳۲ .
- ۳۰- قمی ، محمد بن بابویه معروف به شیخ صدوق ، معانی الخبار ، قم ، انتشارات موسسه انتشارات وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم ، ۱۳۶۱ ، ص ۲۶۲ .
- ۳۱- محمد بن حسن ، تهذیب الاحکام ، جلد ششم ، تهران ، انتشارات دارالکتب الاسلامیه ، ۱۳۶۵ ، ص ۲۴۳ .
- ۳۲- سوره مبارکه نور ، آیه شریفه ۵۸ .
- ۳۳- کلینی ، محمد بن یعقوب معروف به شیخ کلینی ، کافی ، جلد پنجم ، تهران ، انتشارات دارالکتب الاسلامیه ، ۱۳۶۵ ، ص ۵۰۰ .
- ۳۴- قمی ، محمد بن بابویه معروف به شیخ صدوق ، فلسفه احکام « علل الشرایع » ، ترجمه سید محمد جواد ذهنی تهرانی ، قم ، انتشارات مومنین ، ۱۳۸۰ ، ص ۵۰۳ .
- ۳۶- تمیمی آمدی ، عبدالواحد، غرر الحکم در الکلم ، قم ، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم ، ۱۳۶۶ ، ص ۴۲۶ .
- ۳۷- دشتی ، محمد ، ترجمه نهج البلاغه حضرت علی علیه السلام ، قم ، انتشارات یاسین نور ، چاپ یازدهم ، ۱۳۹۰ ، حکمت ۲۴۱ .
- ۳۸- دشتی ، محمد ، ترجمه نهج البلاغه حضرت علی علیه السلام ، قم ، انتشارات یاسین نور ، چاپ یازدهم ، ۱۳۹۰ ، نامه ۴۷ .
- ۳۹- الموسوی معروف به الشریف الرضی ، أبوالحسن محمد بن الحسن ، نهج البلاغه ، جلد اول ، ترجمه محمد دشتی ، قم ، انتشارات الهادی ، چاپ چهاردهم ، ۱۳۸۰ ، نامه ۵۳ .
- ۴۰- دشتی ، محمد ، ترجمه نهج البلاغه حضرت علی علیه السلام ، قم ، انتشارات یاسین نور ، چاپ یازدهم ، ۱۳۹۰ ، نامه ۵۳ .
- ۴۱- الموسوی معروف به الشریف الرضی ، أبوالحسن محمد بن الحسن ، نهج البلاغه ، جلد اول ، ترجمه محمد دشتی ، قم ، انتشارات الهادی ، چاپ چهاردهم ، ۱۳۸۰ ، نامه ۴۳ .

- ۴۲- الموسوی ابوالحسن محمد بن الحسین ، نهج البلاغه ، جلد اول ، ترجمه محمد دشتی ، قم ، انتشارات الهادی ، چاپ چهاردهم ، ۱۳۸۰ ، خطبه ۲۰۹ .
- ۴۳- دلشاد تهرانی ، مصطفی ، اندیشه سیاسی و سیره حکومتی علی (ع) ، تهران ، انتشارات خانه اندیشه جوان ، ۱۳۷۷ ، ص ۱۵۶ .